

بنام خدا

تاریخ ایران کمبریج

(جلد سوم)

(قسمت چهارم)

ادیان و اقوام

(زردشتی، مانوی، مزدکی، مسیحی، یهودی، بودایی)

ترجمه: تیمور قادری

۱۱۵۰۰ تومان

فهرست

عنوان

صفحه

مقدمه مترجم	۵
بخش اول: گسترش تفکر دینی: کرستن کولپ؛ استاد تاریخ ادیان و کلام تاریخی؛ دانشگاه آزاد برلین	۹
بخش دوم: دین زردشتی؛ ژ-دوشن-گیمن؛ استاد ممتاز مطالعات هندو ایرانی، دانشگاه لیژر	۷۵
بخش سوم: نوشته‌های بهلولی زردشتی؛ مرحوم ژ.پی. دومناش	۱۷۳
بخش چهارم: کتیبه‌های فارسی میانه؛ فیلیپ ژینیو؛ مدرسه مطالعات عالی، پاریس	۱۸۳
بخش پنجم: مانویت و پیشینه ایرانی آن؛ جی.ویدن‌گروند؛ استاد ممتاز تاریخ و روانشناسی ادیان؛ دانشگاه اوپسالا	۱۹۹
بخش ششم: نوشته‌های فارسی میانه مانوی مری بویس	۲۳۷
بخش هفتم: آئین مزدکی؛ ای.ش.	۲۵۱
بخش هشتم: مسیحیان در ایران؛ جی.بی. آسموسن؛ استاد مطالعات ایرانی؛ دانشگاه کپنهاک	۲۹۹
بخش نهم: یهودیان در ایران؛ جی.نوسنر؛ استاد مطالعات دینی؛ دانشگاه براون	۲۳۳
بخش دهم: آئین بودایی در میان اقوام ایرانی؛ ا.ا.ای. امریک	۳۵۵
بخش یازدهم: زبان و ادبیات سعدی؛ مارک در سدن؛ استاد ممتاز مطالعات ایرانی دانشگاه پنسیلوانیا	۳۷۹
بخش دوازدهم: ادبیات سکایی- ختنی؛ اچ.و.بیلی، استاد ممتاز سنسکریت، دانشگاه کمبریج	۳۹۹
بخش سیزدهم: زبان و ادبیات خوارزمی. د.ان. مکئزی. استاد لغت‌شناسی شرقی، دانشگاه گوتینگن	۴۲۱

بخش چهاردهم: ادبیات بلخی؛ ایلیا، گرشویچ، استاد مطالعات ایرانی، دانشگاه	
کمبریج	۴۲۹
اعلام	۴۴۱
کتابنامه	۴۴۵

www.ketab.ir

مقدمه مترجم

بعد از به پایان بردن تاریخ سیاسی ایران، آنگونه که در پژوهش دانشگاه کمبریج در باب تاریخ ایران وارد گشته است، اکنون نوبت به بخش دین پژوهی می‌رسد؛ که در دو مجلد تقدیم می‌شود: الف: تاریخ ادیان و اقوام ایرانی که به بررسی تاریخ کیش زردشتی‌گری، مانویت، مزدکیت، آئین بودایی، مسیحیت، یهودیت در ایران می‌پردازند؛ ب: تاریخ مذاهب اسلامی، که مباحث مربوط به مذاهب و فرق اسلامی، تصوف و عرفان، علوم اسلامی،... را مطرح می‌سازد. بعد از این دو بخش؛ نوبت به مبحث فرهنگ و تاریخ اسطوره‌ای ایران، نهادهای اجتماعی و قانونی می‌رسد؛ که بررسی تاریخ اسطوره‌ای آمده در شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی، ستون فقرات این بخش را تشکیل می‌دهد و خود جذابیتهای دیگر را به نمایش می‌گذارد. و در آخر هم نوبت به هنر عصر ساسانی می‌رسد. البته دستمایه این پژوهش همان منابع دوره میانه غربی و شرقی است.

در واقع این چهار جلد آخر، تاریخ دین، اقوام، فرهنگ و هنر، نهادهای اجتماعی، ایران در عصر ساسانی است؛ که خود مبتنی بر متون ایرانی پیرامون مانده از عصر ساسانی و همین‌طور اوایل دوره اسلامی است، که در اینجا این منابع را به دوره ایرانی میانه غربی و ایرانی میانه شرقی تقسیم می‌کنیم. آثار دوره میانه غربی خود به دو بخش تقسیم می‌شود: ۱- کتیبه‌های دوره ساسانی ۲- متون پهلوی زردشتی که اکثر آنها در دوره اسلامی خاصه در دوران خلافت عباسی به رشته تحریر درآمده است؛ آثاری که خود به دو بخش عمده منقسم است: الف: متون تفسیری از اوستا ب: متون غیرتفسیری که این بخش به چندین دسته تقسیم می‌شود: ۱- متون دینی (شامل دینکرد، شکندگمانیک و یچار، بندهش، زادسپرم،

دادستان دینیک،...)

ب: متون اخلاقی اندرزی (شامل مینوی خرد، دینکرد - ۶ اندرز پوریوتکیشان؛ اندرز آتورباد امهراسپندان و...)

۳- متون تاریخی یا غیردینی (کارنامه اردشیر بابکان، ایادگار زریران و...)

۴- متون حقوقی (شایست نشایست، مادیگان هزاردادستان)

۵- متون آموزشی (شامل شهرستانهای ایران، ماه فروردین روز خرداد، شگفتیهای سیستان، خسرو و پسرک، درخت آسوریک).

آثار ایرانی میانه شرقی نیز از اهمیت بسیاری برخوردارند و بسیار راهگشا. این آثار به بخش‌های زیر منقسم‌اند:

۱- آثار سفدی، ۲- آثار ختنی- سکایی، ۳- آثار خوارزمی، ۴- آثار بلخی.

زبان سفدی: ادبیاتی غنی را در پشت سردارد و سه سردهسته آثار ادبی برجای مانده را دربرمی‌گیرد: الف) سفدی بودایی

ب) سفدی مانوی

ج) سفدی مسیحی

متون سفدی بودایی؛ علاوه بر شرح جهان‌بینی بودا؛ احکام عملی آن را نیز شرح می‌کند. متون سفدی مانوی؛ بخش‌هایی از مواعظ و اندرزهای مانوی و هم‌مین‌طور امثال و حکم آمده در این دین را به نمایش می‌گذارد. و بالاخره سفدی مسیحی؛ متون متنوعی از آئین مسیحیت را، آن هم به خط سریانی، دربرمی‌گیرد و در کنار آنها به نامه اعمال شهیدان مسیحی در زمان شاهان ساسانی نیز می‌پردازد. ادبیات برجای مانده از زبان بلخی نیز به نوبه خود غنی است؛ هرچند از زبان و ادبیات خوارزمی؛ تنها مجموعه‌ای از واژه‌ها و اصطلاحات برجای مانده است؛ و در آخر هم از ادبیات ختنی- سکایی، نباید غافل شویم؛ که غنایی همسان را در مقابل دیدمان قرار می‌دهد.

در این میان از متون متنوع مانوی نباید غافل شویم؛ در این حوزه نیز تنوع زبانی کاملاً به چشم می‌خورد.

از آنجا که مانی و مبلغان او به هر کجا که می‌رفتند، به زبان آن قوم و دیار تبلیغ دین می‌کردند؛ در نتیجه ما دارای تنوعی از متون از جمله متون مانوی ساسانی، متون مانوی اشکانی، متون مانوی سُغدی، متون مانوی قبطی، متون مانوی ترکی هستیم؛ که همگی به خط مانوی، که صورتی از سریانی است، کتابت شده‌اند.

این متون رنگارنگ هرچند گهگاه ناقص و ناپسند، پرده از روی ادیان ایرانی عهد ساسانی و اشکانی برمی‌دارند؛ و از این طریق تا حد امکان به جهان‌بینی و حکمت عملی این ادیان و مذاهب می‌توان پی برد. البته از موانع و مشکلات موجود بر سر راه قرائت، ترجمه و تفسیر این متون هم نباید بگذریم، که خود بخش عظیمی از مجادلات شرق‌شناسان و ایران‌شناسان را به نمایش می‌گذارند. (از قرائت یک واژه، یک عبارت، یک جمله، یک بند، و یک قطعه، ترجمه‌های متفاوت حاصل شده و از این ترجمه‌ها نیز تفسیرهای گوناگون و رنگارنگ؛ و همین امر جذابیت و شیرینی کندوکاو در متون دوره میانه را صدچندان می‌سازد. نگارندگان در این بخش از تاریخ ایران کمبریج نیز از این قاعده مستثنی نیستند؛ هرچه که از زمان تألیف این مجموعه تا به حال نظرات، قرائت‌ها و ترجمه‌های بس متفاوت تری هم ارائه گشته است.

یک نکته بسیار مهم نیز همانا آثار برجای مانده از مورخان و علمای مسلمان است؛ که بسیار مدد می‌رسانند؛ در این راه "فهرست اسون‌دیم" ملل و نحل، شهرستانی، تاریخ طبری، مسعودی و نوشته‌های ابوریحان بیرونی در درجه اول اهمیت قرار دارند. این علما بدون هیچ تعصبی آنچه را در ذهن و فکر داشته و از منابع قدیمتر استخراج کرده‌اند؛ به‌طوری دقیق شرح و بیان کرده‌اند.

صد البته از نگاشته‌های نگارندگان ارمنی هم باید به نیکی یاد کنیم؛ در حوزهٔ زروانیت و تثلیث و همین‌طور جهان‌بینی مزدیسنی؛ آثار نگارندگانی چون تئودور بارکنای، تئودور ابوقراء بسیار مفید و کمک‌رسان‌اند.

نگاشته‌های این نگارندگان از آن جهت دارای اهمیت است که منطقه و موطن ایشان برای چندین قرن مورد مناقشه و جنگ خونین میان امپراتوری روم و امپراتوری ساسانی بوده است؛ برای دروای حاکمی از جانب رومیان بر این مُلک

حکم می‌راند؛ و گاهی حاکمانی از سوی پادشاهان ساسانی بر اریکه قدرت در این دیار تکیه می‌زدند. به هر تقدیر محبوبیت حکام اشکانی از دیرباز و تا اوایل دوره ساسانی در ارمنستان واقعیت شناخته شده‌ای در تاریخ سیاسی ایران در دوره میانه است؛ واقعیتی که وام واژه‌های اشکانی در زبان و ادبیات ارمنی بر آن گواهی می‌دهند.

تردیدی نیست که نگارندگان در این بخش از تاریخ ایران در زمان ساسانی - اشکانی در ابتدای این مبحث از گسترش تفکر دینی در این مرز و بوم سخن برانند؛ تفکری که در ایران شرقی، در دوره باستان، آن هم از هنگام سرایش گائاه‌ها، بالیدن و گسترش گرفت؛ در ایران غربی در دوره هخامنشیان؛ به صورت ملغمه‌ای از باورهای زردشتی و باورهای ایرانی پیش از زردشت چهره آشکار کرد؛ و در دوره میانه در ایران عهد ساسانی به صورت حکومت دینی قد علم نمود؛ و در شرق ایران دوره میانه، شانه به شانه ادیانی همچون بودائیت و مسیحیت سائید.

بدین ترتیب، در این بخش آنچنان‌هم دست و بال نگارندگان بسته نیست و تا حدودی میدان پرواز و رمزگشایی دارند. رده‌بای این آثار در ادبیات و متون ایرانی عهد اسلامی نیز مصادره به مطلوب است. ادبیات ایرانی دوره اسلامی در جای جای خود یادگارهایی از شخصیت‌های دوره میانه و ادبیات و متون این دوره را در خود جای داده است. بسیاری از یادگارها با تغییراتی اندک و گاه زیاد وارد عرصه ادبیات دوره اسلامی شده‌اند؛ و خواه ناخواه ما را به دوره‌ای بس قدیمی‌تر می‌برند؛ دوره‌ای که اخلاق، تاریخ، سیاست، و زندگی مردم با مفاهیم دینی گره خورده است؛ و آینده از آن ملتی است که گذشته خود را بشناسد.

تیمور قادری

۱۳۸۹/۴/۱۷